

طلاق‌های زودهنگام؛ تلاشی برای انفصال از فشارهای اجتماعی

صدیقه پیری^۱، محسن نیازی^۲، حسن پیری^۳، زینب خوشرو^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

چکیده

استان ایلام در بین استان‌های با کمترین دوام زندگی (منجر به طلاق) قرار دارد. این مساله به یکی از مسائل اجتماعی جدی استان تبدیل شده است. پرسش اصلی مقاله این است که دلایل طلاق‌های زودهنگام در شهر ایلام چیست. چارچوب مفهومی مطالعه حاضر، رویکردهای تعامل نمادین، تفسیری و برساخت‌گرایی است. روش انجام مطالعه، گراند تئوری است. نمونه‌های تحقیق را ۲۱ زن و مرد مطلقه و یا در شرف طلاق در شهر ایلام تشکیل دادند. با تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های نیمه-ساختاریافته در مرحله کدگذاری اولیه ۲۶۱ مفهوم و ۱۶ مقوله اصلی استخراج شدند. شرایط علی حاکم بر طلاق زودهنگام عبارت بودند از: ازدواج تکلیف‌مند؛ پنداشت از ازدواج به مثابه عبور از بحران‌های شخصی و خانوادگی، انفعال‌پیشگی در مخالفت، زمانبندی محدود و تعجیل در عقد، مواجهه سستی با دوران عقد، سازماندهی نمایشی رفتار در دوره عقد، قصور در برخورد منطقی با مسائل، زوجین در کشاکش تفاسیر متضاد از موقعیت و بدگمانی. زمینه شکل‌گیری پدیده، حاکمیت فضای سستی - نیمه سستی و تمایزات ابژه‌های نسلی بود. نفوذ کنشگران سستی، بازدارنده‌های جدایی دوران پیش‌عقد و عقد، جدال برای تصاحب زوجین در میدان خانواده‌ها، شکنندگی زندگی و سهل انگاری در ازدواج دوم از جمله مقولات بدست آمده بودند که بر پدیده اثر می‌گذاشتند. زناشویی نامطلوب از جمله مقولات پیامدی پژوهش حاضر به شمار می‌رود و در نهایت مقوله مرکزی تحقیق با عنوان طلاق‌های زودهنگام و تلاش برای انفصال از فشارهای اجتماعی نام‌گذاری شد.

واژگان کلیدی: طلاق‌های زودهنگام، ازدواج، سنت، ایلام، مطالعات فرهنگی

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛ sedighe.piri@atu.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان.

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان.

۴. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مهم‌ترین تصمیمی که هر انسانی اتخاذ می‌کند، انتخاب شریک زندگی است. ازدواج اولین تعهد عاطفی و حقوقی است که در بزرگسالی دو نفر آن را می‌پذیرند. با همسرگزینی و انعقاد پیمان زناشویی، خانواده تشکیل می‌شود تا احساس ایمنی، تعلق خاطر و حرمت نفس در آن رشد کند و تحول و پیشرفت فردی و اجتماعی میسر شود. بنابراین همواره خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد و زیربنایی برای تشکیل یک جامعه منسجم شناخته شده است.

امروزه با تغییرات و تحولات سریع در جامعه روز به روز بر پیچیدگی خانواده در اقصا نقاط جهان افزوده می‌شود، شکل‌گیری گونه‌های مختلف خانواده، گسترش روابط انتخابی تا ایجابی، خانواده‌های تک والد، پدیده مادران مجرد، روابط فرازناشویی، کاهش طول مدت ازدواج و بالاخره افزایش سریع نرخ طلاق همه و همه از این نوع تغییر و تحولاتی است که بر پیچیدگی روابط در خانواده‌ها افزوده است. بی‌تردید تغییر و تحول در این نهاد بر سایر نهادها نیز اثرگذار خواهد بود. همان طور که گفته شد یکی از این تغییر و تحولات، روند صعودی طلاق در دهه‌های اخیر بوده که پدیده‌ای جهان‌شمول است. در این زمینه بک (۱۳۸۸: ۱۱)، معتقد است «در دنیای عدم قطعیت‌های بش‌ساخته جهانی، زندگی‌های شخصی به همان اندازه سیاست جهانی مخاطره‌آمیز می‌شوند». طلاق آن قطب مخالف خانواده است، طلاق به معنای فروپاشی و زوال مهم‌ترین نهاد جامعه است.

در ایران میزان طلاق‌ها و تحولات آن خصوصاً تا ابتدای دهه هشتاد، روند منظمی ندارد. مطابق با آمار ذکرشده در سال ۱۳۸۴ تعداد طلاق ۸۴۲۲۱ ثبت شده که ۱۰ سال بعد یعنی در سال ۱۳۹۴ این رقم به ۱۶۳۷۶۵ یعنی دو برابر رسیده است، به عبارتی دیگر نرخ طلاق در طول یک دهه اخیر از ۱۰/۶۹ در سال ۱۳۸۴ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. (سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور). بیشترین میزان طلاق یعنی در حدود ۸۵ درصد آنها در شهرها و ۱۵ درصد در مناطق روستایی رخ داده است (اعتمادی‌فرد، ۱۳۹۴: ۱۴۱). جدول زیر، از افزایش واقعه طلاق در شهرها نسبت به روستاها حکایت دارد.

جدول ۱. مقایسه وضعیت طلاق در شهرها و روستاها

سال	طلاق شهری	طلاق روستایی
۱۳۷۵	۳۲۶۹۷	۵۱۲۰
۱۳۸۰	۵۴۵۳۶	۵۹۶۴
۱۳۸۵	۷۸۸۰۱	۱۵۲۳۸
۱۳۹۰	۱۲۱۰۹۱	۲۱۷۵۰
۱۳۹۲	۱۴۴۰۸۳	۱۱۲۸۶
۱۳۹۳	۱۴۹۶۴۴	۱۳۹۲۵
۱۳۹۴	۱۴۶۷۱۴	۱۷۰۵۱
۱۳۹۵	۱۶۸۷۴۴	۱۲۲۷۵
۱۳۹۶	۱۶۳۴۶۶	۱۱۱۱۲

منبع: سازمان ثبت و احوال کشور ۱۳۹۶

در استان ایلام، واقعه طلاق طی سی سال گذشته به شدت رو به افزایش بوده است. از ۹۲ واقعه طلاق در سال ۱۳۶۵ به ۸۵۶ واقعه طلاق در سال ۱۳۹۶. در سال ۹۵ در برابر هر ۱۰۰ ازدواج در استان ۱۳/۶ واقعه طلاق ثبت شده است. برخلاف سال‌های ۶۵ تا ۷۵، طی دوره‌های ۷۵ تا ۹۵ درصد رشد سالانه طلاق در استان ایلام به شدت افزایش پیدا کرده و از میانگین کشوری بالاتر رفته است. در طی سال‌های ۹۵-۹۰ رشد سالانه طلاق برای کشور ۴/۹ درصد و برای استان ایلام ۸/۹ درصد است. در استان ایلام نیز در سال ۱۳۹۶ از مجموع ۸۵۶ واقعه طلاق، ۷۷۷ مورد در مناطق شهری و ۷۹ مورد در مناطق روستایی رخ داده است (سالنامه آماری ثبت احوال کل کشور ۱۳۹۶).

علاوه بر شاخص میزان رشد طلاق می‌توان از یکی دیگر از شاخص‌های مهم بررسی وضعیت خانواده یاد کرد و آن دوام زندگی‌های منجر به طلاق است. در مقایسه با میانگین کشوری در استان ایلام از سال ۱۳۸۵ به بعد، طول مدت زناشویی در سال‌های اول (عمدتاً تا ۴ سال اول) زندگی کمتر است. به عبارتی درصد طلاق‌های ثبت‌شده در طی این سال‌ها نسبت به کل کشور زیاد است. بر طبق مطالعه «نگاهی به وضعیت زنان» معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، استان ایلام با رقم ۳۰/۳-۲۶/۹ درصد طلاق ثبت‌شده با طول مدت زناشویی

۲ تا ۴ سال در سال ۱۳۹۵ در زمره استان‌های با بالاترین درصد طلاق با کمترین میزان دوام زندگی مشترک قرار دارد (پژوهش‌نامه تخصصی مساله‌شناسی، ۱۳۹۵: ۲۷). در این سال استان ایلام با نرخ ۵۳/۴ درصد، به همراه استان کردستان (۵۸/۵)، خراسان جنوبی (۵۶/۵) و زنجان (۵۴/۱) بیش از سایر استان‌ها، با ازدواج‌های کم دوام (کمتر از ۵ سال دوام زندگی مشترک) رو برو بوده‌اند (سالنامه آماری ثبت احوال کل کشور ۱۳۹۵). مطابق با آخرین سالنامه آماری ثبت احوال در سال ۱۳۹۶ تعداد طلاق‌های ثبت‌شده بر حسب طول مدت ازدواج در استان حکایت از افزایش سالانه آنها دارد. به طوریکه در سال ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ جمع طلاق‌های زیر ۵ سال در استان ایلام به ترتیب ۲۴۷، ۲۴۷، ۲۹۷، ۳۱۲ و ۳۱۶ واقعه بوده است (سازمان ثبت و احوال کشور ۱۳۹۶)

از سوی دیگر با افزایش طول مدت ازدواج، احتمال طلاق در این استان کمتر می‌شود. برای مثال درصد طلاق در زوجین با ۱۰ تا ۱۵ سال زندگی مشترک در استان، کمتر از میانگین کشوری است. نکته دیگر این است که نرخ طلاق شهری در استان همواره بیشتر از نرخ طلاق در مناطق روستایی بوده است (سالنامه ۱۳۹۶). همانطور که گفته شد احتمال طلاق در بین زوجین جوان ساکن ایلام نسبت به زوجین ساکن در اکثر شهرهای ایران رقم بالایی را به خود اختصاص داده است. این مساله به یکی از مسائل اجتماعی جدی استان تبدیل شده است. ضرورت این مطالعه با توجه این مساله از یک سو، تغییر و تحولات پدید آمده در حوزه خانواده از سویی دیگر و همچنین خلأ روش‌شناختی و تجربی مطالعه انجام‌گرفته در این عرصه به روشنی محسوس است. پرسش اصلی مقاله حاضر معطوف به سطح چرایی طلاق‌های زود هنگام در شهر ایلام است. به عبارتی دیگر سوال اصلی تحقیق این است که دلایل طلاق زود هنگام در میان زوجین مطلقه و یا خواهان طلاق در شهر ایلام چیست؟

زمینه نظری

بر اساس رویکردهای مختلفی می‌توان مسائل خانواده را تبیین و تحلیل کرد: رویکرد کارکردی ساختاری خانواده را مهمترین واحد سازمان اجتماعی و بنیاد جامعه سالم می‌داند، چرا که کارکردهای مهمی از قبیل تنظیم رابطه جنسی انسان‌ها و ایجاد رابطه متعهدانه والدینی دارد و

فراهم‌کننده محیطی برای اعضا، حمایت اقتصادی و عاطفی آنهاست (مشونیس: ۱۳۹۵: ۱۹۸، ۱۹۶). بر اساس این نظریه هرگونه تداخل و تغییر در الگوی نقش‌ها سبب برهم خوردن تعادل زندگی می‌شود زیرا به ویژه در حالت اشتغال زن، وی حالت بیانگر را از دست داده و به رقیب شوهرش تبدیل می‌شود. در نتیجه رقابت زن و شوهر با یکدیگر منجر به ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود (روزن‌باوم، ۱۳۶۷: ۸۵). که یکی از این پیامدها افزایش نرخ طلاق است. و افزایش نرخ طلاق چون کارکردهای مذکور را به هم می‌ریزد پس مساله اجتماعی به شمار می‌رود.

رویکرد دیگر، رویکرد تضاد اجتماعی است. این رویکرد بر نابرابری اجتماعی انگشت می‌گذارد، از نظر طرفداران این رویکرد، خانواده به تداوم قشربندی جنسیتی کمک می‌کند. از آنجا که مردان خانه را ترک می‌کنند و به محیط کار می‌روند زنان باید کار بی‌مزد خانه‌داری و مادری را انجام دهند، چیزی که موجب نابرابری خواهد شد (مشونیس: ۱۳۹۵: ۲۰۳).

اما همانطور که گفته شد هدف تحقیق حاضر نظریه آزمایی چارچوب‌های مطرح شده در مورد طلاق نیست، هدف فهم دلایل طلاق‌های زودهنگام در شهر ایلام است، بنابراین در این جا نیز با توجه به پیچیدگی موضوع طلاق آن هم در شرایط خاص استان ایلام، محقق تلاش می‌کند با تکیه بر ترجیحات نظری خود، تنها چهارچوبی مفهومی را برای طرح سؤالات و شیوه نگاه کردن به مسأله فراهم سازد. این چارچوب مفهومی رویکردهای تعامل نمادین، تفسیری و برساخت‌گرایی است.

رویکرد برساخت‌گرایی در پارادایم تفسیری قرار می‌گیرد. برساخت‌گرایی اجتماعی رویکردی است که به فرایندی که یک شرایط مسئله‌دار به نظر می‌رسد توجه می‌کند (طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۵). بر طبق رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی، مطالعه پدیده اجتماعی، به فهم جهان اجتماعی نیاز دارد که مردم با فعالیت مداوم خود آن را می‌سازند و بازتولید می‌کنند. به هر حال، مردم پیوسته جهان خودشان را تفسیر می‌کنند، یعنی تفسیر موقعیت اجتماعی، رفتار مردم دیگر، رفتار خودشان و موضوعات برساخته طبیعی و انسانی (بلیکی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). اسپکتور و کیتسوز بر این اعتقادند که مسائل اجتماعی مرکب از شرایط عینی و تعاریف ذهنی هستند (بکر، ۱۹۶۶ به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۹۳: ۲۲۳). اسپکتور و کیتسوز از صاحب نظران رویکرد برساخت‌گرایی، مدعی‌اند که مسائل اجتماعی آن چیزهایی‌اند

که مردم فکر میکنند مسئله اجتماعی‌اند، بحث آنها در واقع بر فرایندی متمرکز است که طی آن مردم بدون توجه به شرایط عینی فکر میکنند چیزی مساله اجتماعی است (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲: ۲۲۶-۲۲۴). نظریه پردازان کنش متقابل نمادی {که از رویکرد تفسیرگرایی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی استفاده می‌کنند} زندگی اجتماعی را یک فرایند بازشونده تلقی می‌کنند که در آن فرایند، فرد محیط خود را تجربه، تفسیر و نهایتاً بر اساس آن تفسیر اقدام به کنش می‌کند. اگرچه انسان تحت محرکی اقدام به عمل می‌کند ولی پاسخ به محرک نیازمند تفسیر کنش گر است. به همین لحاظ قبل از بروز پاسخ، فرایند تفسیر لازم است (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۵۷-۱۵۶). در مورد نهاد خانواده، رویکرد تعامل نمادین بر الگوی تعامل مردم و تفسیرشان از زندگی خانوادگی تأکید دارد (مشونیس: ۱۳۹۵: ۱۹۷). در این دیدگاه، محقق حتی الامکان باید بدون پیش فرض قبلی، در مورد موضوع مورد مطالعه (طلاق) به تحقیق پردازد. هدف اصلی باید درک یا درونیابی تجربیات افراد باشد نه تلاش در جهت تبیین رفتار آنها؛ به عبارت دیگر هدف اساسی در رویکرد تفسیرگرایی جامعه‌شناسی به دست آوردن درک عمیق‌تری از طبیعت یا معنای تجربه‌های هر روزه انسان‌ها و موضوع مطالعه آن تجربه‌های هر روزه زندگی از دیدگاه ذهن به دور از بررسی انتقادی شکل‌های زندگی است. از آنجا هدف اساسی تحقیق حاضر تبیین و فهم دلایل طلاق‌های زودرس در شهر ایلام است و از آنجا که لازمه این کار آگاهی عمیق به معانی و تبیین‌هایی است که کنشگران مورد مطالعه به پدیده طلاق می‌دهند، بنابراین از این رویکرد نظری که در ذیل رویکردهای برساخت‌گرایی اجتماعی قرار دارد، استفاده می‌شود. در هنگام توضیح مقولات تحقیق در بخش یافته‌ها، از مفاهیم نظری مرتبط با موضوع استفاده شده است.

پیشینه تجربی

در این قسمت بر حسب نوع روش کمی یا کیفی، مطالعات انجام گرفته در زمینه علل و یا دلایل طلاق به طور مختصر بیان خواهند شد. ابتدا به مطالعات کمی اشاره می‌شود:

در فراتحلیلی بیش از ۸۵ متغیرهای موثر بر وقوع طلاق و شیوع آن در جامعه شناسایی شده‌اند. ۲۱ متغیر مربوط به سطح فردی، ۶ مورد به سطح میانی، و بقیه عوامل به عوامل سطح

کلان مربوطند. عوامل کلان شامل ساختارهای کلی نظام اجتماعی می‌شود و می‌توان آن را به چهار گروه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقسیم کرد. عوامل خرد به زیر گروه‌های فیزیولوژی و شخصیتی تقسیم می‌شود. عوامل میانه نیز شامل کمبود یا کژکارکردهای گروه‌های مرجع و الگوها، دوستان ناباب و خرده فرهنگ‌های متکثر و افراط و تفریط در اعمال نفوذ بزرگترها می‌شدند (پژوهشنامه تخصصی مسئله‌شناسی، ۱۳۹۵: ۱۱)؛ عنایت و همکاران (۱۳۹۲) دریافتند متغیرهای میزان امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی، ارضای نیازهای عاطفی، احساس تعلق به خانواده، پایبندی دینی، تاثیرپذیری از گروه دوستان، همسان همسری، تفاهم زناشویی و اعتماد به همسر در کاهش یا افزایش طلاق‌های زودهنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر موثرند. نتایج مطالعه قاسمی و ساروخانی (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که به ترتیب دخالت اطرافیان، ضرب و شتم، دروغگویی، سوظن و بدبینی، اعتیاد، بی‌توجهی، تنفر و نداشتن علاقه، و خیانت مهم‌ترین علل طلاق در شهرستان کرمانشاه بوده است؛ بر اساس مطالعه هنریان و یونسی (۱۳۹۰) عدم مهارت ارتباطی متقاضیان تهرانی نسبت به سایر علل طلاق از رتبه‌های بالاتری برخوردار بوده است؛ یافته‌های تحقیق مختاری و همکاران (۱۳۹۳) نشان می‌دهد بین متغیرهای میزان مراوده با خویشاوندان، میزان رضایت جنسی و عاطفی از همسر، میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج، میزان وفاداری به همسر و سطح انرژی عاطفی در خانواده یاسوجی با گرایش به طلاق رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد؛ شهولی و رضایی‌فر (۱۳۹۰) نشان می‌دهد بین ناهمسان همسری و دخالت والدین در خانواده‌های جوان و تازه تشکیل شده‌ای ایزدهای و همراهی و حمایت فرزندان از یکی از والدین در خانواده‌های با سابقه ازدواج بیشتر از ۲۰ سال و مسائل اقتصادی، ناتوانی‌های جسمی و جنسی یکی از زوجها با عوامل احساسی و ذهنیت منفی یکی از زوجها، پرخاشگری و خشونت زوجها و آرمان‌گرایی زوجها و ناسازگاری زن و شوهر در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.

اما نتایج مطالعات کیفی در ادامه خواهند آمد: صادقی‌فسایی و ایثاری (۱۳۹۴) با هدف سنخ‌شناسی انواع طلاق و زمینه‌های آن به بررسی درک و تصور سوژه‌های مطلقه تهرانی از زمینه‌های طلاق خود و نحوه تفسیر آنان از این واقعه پرداخته‌اند. در مجموع شش تیپ گوناگون طلاق شناسایی شده است: طلاق عقلانی- فاعلانه، عقلانی- توافقی، عقلانی- منفعلانه، عقلانی-

جاه‌طلبانه، طلاق اجباری و طلاق شتاب‌زده به دست آمد؛ نتایج بازنمایی معنایی طلاق توافقی زنان کرجی در مطالعه موسوی (۱۳۹۵) از ۶ مقوله عمده به شرح زیر حکایت دارد: بازاندیشی در نقش مرد به عنوان نان‌آور خانواده، روابط جنسی نامطلوب، درگیری عاطفی، اختلافات فرهنگی- اجتماعی، فشار هنجاری اطرافیان و اختلالات شخصیتی و رفتاری؛ داده‌های بدست آمده مطالعه قریشی (۱۳۹۳) به شکل‌گیری ناظر بر اختلالات رفتاری، نهادها، و ارزش‌های جدید، حمایت نهادی، عدم شناخت قبل از ازدواج، ضعف اقتصادی و تفاوت‌های فرهنگی- طبقاتی زوجین به عنوان عوامل موثر بر طلاق در شهر سقز منتهی شده است. مفهوم غلبه نسبی ارزش‌های جدید مقوله هسته‌ای این مطالعه بوده است.

بنوکرائیت^۱ (۲۰۰۷) عدم ارتباط زوج‌های جوان را از مهمترین دلایل طلاق آنان می‌داند و می‌گوید عدم برقراری ارتباط باعث می‌شود که زوجین نتوانند مسائل مالی، جنسی و عاطفی خود را به طرز مؤثری حل و فصل کنند، وی همچنین از جمله دلایل دیگر طلاق زود هنگام برای زوجین جوان را ناباروری می‌داند. ناباروری اضطراب، پریشانی و ناامیدی در ازدواج را به دنبال دارد و متعاقباً منجر به طلاق می‌شود. کینگ (۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود نشان می‌دهد که یکی از دلایل جدایی زوج‌های جوان، از بین رفتن جذابیت جنسی و متعاقب آن تضعیف روابط صمیمی بین آنهاست. پرلر^۲ (۲۰۱۴) نیز ناسازگاری جنسی را یکی از عوامل موثر بر طلاق زوجین جوان قلمداد کرده و معتقد است حتی با تداوم ازدواج زوجین در این زمینه به سازگاری نمی‌رسند. وی همچنین خیانت را در صدر دلایل طلاق در میان زوج‌های جوان در آفریقای جنوبی قرار داده است. اروگو^۳ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد از بین رفتن رابطه صمیمی که قبلاً امنیت و حمایت را برای زوجین جوان به همراه داشت به معنای از دست دادن امیدها و رویاها و همچنین احساس شکست در آنهاست که پیامد آن، جدایی زوجین بوده است. ملاتله^۴ و همکاران (۲۰۱۸) به روش کیفی به بررسی دلایل طلاق زوجین جوان در شهر لباوکاکومو^۵ واقع در آفریقای جنوبی، پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که تغییرناگهانی در شخصیت، کمبود

1. Benokraitis

2. Preller

3. Arugu

4. Mohlatlale

5. LEBOWAKGOMO

ارتباط و ضعف آن در زوجین جوان، مشکلات مالی، سوءاستفاده جنسی و خیانت با طلاق در زوج‌های جوان مرتبط است.

بررسی مطالعات انجام‌گرفته نشان می‌دهد گرچه در داخل تحقیقات قابل توجهی در خصوص بررسی علل و یا دلایل طلاق به انجام رسیده است، اما به نظر می‌رسد سهم مطالعات دلایل طلاق‌های زودهنگام آن هم با روش‌های عمیق‌تر کیفی کم باشد. از سوی دیگر مرور پژوهش‌های خارجی نیز نشان می‌دهد که دلایل طلاق‌های زودهنگام به لحاظ مختصات فرهنگی- اجتماعی متفاوت از بسترها و مختصات میدان مورد مطالعه پژوهشگران مقاله حاضر باشد. این نکات و ضرورت مطالعه کیفی دلایل طلاق‌های زودهنگام در شهر ایلام که به یکی از مسائل نگران‌کننده آنجا تبدیل شده باعث عطف توجه پژوهش حاضر به آن شده است.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق کیفی از نوع تئوری زمینه‌ای است. میدان تحقیق شهر ایلام است. در مطالعه کنونی از نمونه‌گیری گلوله برفی و هدفمند^۱ استفاده شده است. در نمونه‌گیری هدفمند محقق کیفی با افرادی گفتگو می‌کند که در زمینه‌ی موضوع مورد مطالعه یا جنبه‌های از آن داری اطلاعات و شناخت مناسب باشند. به این افراد اصطلاحاً مطلعان^۲ یا دروازه‌بانان^۳ اجتماع می‌گویند (ایمان، ۱۳۹۱؛ محمد پور، ۱۳۹۲؛ ازکیا و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین ما به صورت هدفمند زنان و مردان مطلقه یا در شرف طلاق را به عنوان نمونه تحقیق برگزیدیم که طول زندگی مشترک آنها کمتر از سه سال است. این افراد را یا در مراکز اوزانس اجتماعی و یا به صورت گلوله برفی در سطح شهر جست و جو می‌کردیم. مشخصات زمینه‌ای نمونه‌های تحقیق بر حسب متغیرهای سن زوج، سن زوجه، طول مدت عقد، طول زندگی مشترک، سن ازدواج، شغل و سطح تحصیلات زوجین و تعداد فرزندان در جدول زیر نشان داده شده است.

1.purposive Sampling
2.Informants
3.Gatekeeper

جدول ۲. مشخصات فردی، اجتماعی و اقتصادی نمونه‌های تحقیق

ردیف	جنسیت	سن	مدرک تحصیلی	وضعیت اشتغال	وضعیت تاهل	طول زندگی مشترک	وضعیت بارداری	وضعیت تحصیلی	وضعیت اقتصادی	وضعیت فرهنگی
۱.	زن	۱۸	۲۵	۶ ماه	۲ سال	ندارد	۱۶	دیپلم	دیپلم	خانه دار
۲.	زن	۲۵	۳۳	۲ سال	۲ ماه	ندارد	۲۳	لیسانس	دیپلم	خانه دار
۳.	مرد	۳۵	۳۱	۲ ماه	۲ سال	ندارد	۳۳	لیسانس	لیسانس	کارمند
۴.	زن	۲۳	۳۱	۵	۰	ندارد	۱۸	لیسانس	دیپلم	خانه دار
۵.	زن	۲۴	۲۷	۷ ماه	۳ ماه	ندارد	۲۳	راهنمای	دیپلم	خانه دار
۶.	مرد	۲۸	۲۵	۱ سال	۰	ندارد	۲۷	لیسانس	دیپلم	بنا
۷.	زن	۲۲	۲۳	۴ ماه	۲ سال	ندارد	۲۰	دیپلم	دیپلم	خانه دار
۸.	زن	۴۶	۳۴	(ازدواج دوم)	۶ ماه	ندارد	۴۵/۳۴	ابتدایی	سیکل	خانه دار
۹.	زن	۳۰	۲۶	(ازدواج دوم)	۱	(ازدواج قبلی)	۲۹/۱۶	ابتدایی	لیسانس	خانه دار
۱۰.	زن	۲۱	۲۷	۱ ماه	۲ ماه	ندارد	۲۱	دانشجوی انصرافی	لیسانس	خانه دار
۱۱.	مرد	۳۶	۳۰	۹ ماه	۱ سال	ندارد	۳۵	ارشد	لیسانس	دبیر
۱۲.	مرد	۳۳	۲۹	(۰)	۳	(۱)	۲۹	دیپلم	دیپلم	آزاد
۱۳.	زن	۳۵	۳۲	(۰)	۴ ماه	(ازدواج قبلی)	۳۵/۲۴	ابتدایی	سیکل	خانه دار
۱۴.	زن	۲۰	۲۲	۲ ماه	۱ سال	ندارد	۱۹	راهنمای	دیپلم	خانه دار
۱۵.	زن	۳۰	۳۴	۳ سال	۱ سال	ندارد	۲۷	دیپلم	دیپلم	خانه دار
۱۶.	مرد	۳۶	۳۰	۴	(۰)	(۱)	۳۳	راهنمای	دیپلم	آزاد
۱۷.	زن	۳۱	۳۵	(۲ ماه)	۲ سال	ندارد	۲۹	لیسانس	لیسانس	خانه دار
۱۸.	مرد	۳۰	۲۵	(۱ ماه)	۲ سال	دارد	۲۷	لیسانس	دیپلم	نظامی
۱۹.	زن	۳۱	۳۲	(۱ ماه)	۲ سال	دارد	۲۹	لیسانس	دیپلم	خانه دار
۲۰.	مرد	۳۳	۲۷	(۰)	۱ سال	ندارد	۳۲	دیپلم	لیسانس	کارگر
۲۱.	زن	۲۰	۲۰	۲ ماه	۱ سال	ندارد	۱۹	دیپلم	لیسانس	خانه دار

از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق استفاده شده برای تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های معمول در روش نظریه زمینه‌ای که عبارت‌اند از کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری گزینشی^۳، استفاده شده است. با انجام ۲۱ مصاحبه فرایند اشباع داده‌ها به انجام رسیده است.

در این پژوهش برای بررسی اعتبار نظریه داده‌بنیاد از معیار مقبولیت مشتمل بر بازنگری ناظرین خارجی استفاده بعمل آمده است، به این صورت که فرایند کدگذاری و نیز روند تولید اطلاعات و تحلیل آنها با تایید چهار تن از ناظرین متخصص در این حوزه انجام شده است.

یافته‌ها

با تحلیل داده‌های از مصاحبه‌های عمیق به دست آمده در مرحله کدگذاری اولیه ۲۶۱ مفهوم و ۱۶ مقوله اصلی استخراج شدند که در جداولی که در ادامه خواهند آمد، این مفاهیم و مقولات نشان داده شده‌اند:

ازدواج تکلیف‌مند: پنداشت از ازدواج به مثابه عبور از بحران‌های شخصی و خانوادگی
بر خلاف آنچه گیدنز (۱۳۳۷:۱۳۲-۱۳۳) از آن تحت عنوان «رابطه ناب» نام می‌برد که در آن دلیل پیدایش و ادامه رابطه، احساس رضایت عاطفی خاصی است که از همزیستی و ارتباط نزدیک با همسر مطلوب حاصل می‌شود و به عبارتی امر مهم برای هر دو طرف، نفس رابطه است، پدیده‌ای که در مطالعه حاضر دیده شد، نوعی پنداشت خاص از ازدواج است؛ پنداشتی تکلیف‌مند و کارکردگرایانه و نه لزوماً مبتنی بر احساس رضایت عاطفی از رابطه. رهایی از فشارها و شرایط خاص زندگی در خانه پدری، امید به بهبود مسائل و مشکلات روحی و رفتاری، نوعی مراقبت و سرپرستی، چاره‌اندیشی برای رفتارهای مخاطره‌آمیز جوانی، یا به طور خلاصه عبور از مسائل و بحران‌های شخصی و خانوادگی نمونه‌هایی از این گونه پنداشت‌های کارکردگرایانه از ازدواج است که با تجزیه و تحلیل داده‌ها به آن پی برده شد. در زیر نقل‌قوهای نشان داده شده است:

1.Open coding
2.Axial coding
3.Selective coding

زن ۱۸ ساله، دیپلم: «من از غصه برادر و زن برادرم که هی من و مجبور میکردن برم کلفتیشونو بکنم گفتم هر سگی بیاد باهاش ازدواج کنم».

مرد ۳۶ ساله، دبیر: «انگار تنها هدفشون این بود که با دخترشون ازدواج کنم. پدرزنم می گفت تنها تو می تونی این دختررو تربیت کنی من که نتونستم تربیتش کنم».

زن ۳۵ ساله، دیپلم: «خودش مریضه، چون مامانش پیره، فکر کردن اگه بمیره یکی باشه سرپرستی پسرشون رو بر عهده بگیره».

زن ۲۰ ساله، دیپلم: «من بچه بودم ازدواج کردم. وقت شوهر کردنم نبود. من و دادن به پسرخاله ام، مامانم فکر می کرد که خواهرزداش هوامو داره یعنی فکر می کرده مٹ دخترشون بهم نگاه می کنن و بزرگ میشم پیششون».

انفعال پیشگی در مخالفت

اگر ما تعریف گیدنز از پدرسالاری را بپذیریم که معتقد است «سلطه مرد معمولاً پدرسالاری خوانده می شود» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۰۵) باید گفت تا حدود زیادی سنگینی فضای پدرسالاری و مردسالاری بر زندگی نمونه های مشارکت کننده در تحقیق سایه افکنده و به نوعی شیوه های عمل خانواده سستی است. در اینجا تصمیم گیری در مورد مسائل مهم زندگی مثل ازدواج عمدتاً با محوریت مردان انجام می شود. در بیشتر نمونه ها (زنان) انتخاب همسر روندی آزادانه نداشته است و آنها معمولاً در مواجهه با ازدواجشان «پذیرنده» بوده و قدرتی برای مخالفت نداشته اند، تکرار مفهوم «ازدواج اجباری» توسط نمونه ها خود گویای این وضعیت است. که البته در برخی موارد گریبان مردان جوان را نیز گرفته بود.

زن ۲۵ ساله، لیسانس: «چهارمین باری که اومدن اصلاً نداشتن حرف بزمن، بدون اینکه بخوام انگشتر تو انگشتم کردن. خدا شاهده گریه می کردم. بدون اینکه بخوام انگشتر واسم آورده بودن. این دفه اصلاً قدرت نه گفتن هم نداشتم. دایی ام وقتی انگشتر آورد حتی ازم نپرسید که آیا جوابم مثبت یا منفی».

زن ۲۴ ساله، دیپلم: «پدرم گفت قولی که بهش پدر داماد دادم هیچ وقت زیرش نمی زنم».

مرد، ۳۰ ساله، دیپلم: «تا من ماموریت بودم، مامانم رفته بود انگشتر گذاشته بودن خونشون. من نمی خواستم باهاش ازدواج کنم».

زمانبندی محدود و تعجیل در عقد

یکی از رویکردهایی نظری ازدواج که در سطح خرد جای می‌گیرد، دیدگاه جیسون کارول^۱ است. به زعم وی نگرش افراد به مقوله ازدواج، از ترکیب سه مقوله مجزا و در عین حال مرتبط به هم ساخته شده است: «زمانبندی ازدواج» (باورهای مربوط به زمانبندی ایده‌آل و مورد انتظار برای ازدواج و رسمیت یافتن رابطه و نیز مدت زمان ایده‌آل برای دوران نامزدی)، «برجستگی ازدواج» (باورهای کلی در خصوص میزان اهمیت ازدواج و ازدواج کردن) و «آمادگی ازدواج» (شرایطی که فرد باید از آن برخوردار باشد تا خود را آماده ازدواج تصور کند) (دولت‌آباد و حسینی، ۳۳۹-۳۴۰). یکی از مقولات مهم تحقیق که می‌توان آن را یکی از دلایل مهم طلاق در نظر گرفت، زمانبندی محدود و تعجیل در برگزاری مراسم عقد است. به نظر می‌رسد به هیچ عنوان این زمانبندی زمانبندی مناسب و ایده‌آلی نیست. در بیشتر نمونه‌ها دوره نامزدی اصلاً وجود ندارد. به دلایل مختلف از جمله ترس از به هم خوردن و یا منتفی شدن وصلت، تعجیل زیادی بر انجام سریع عقد وجود دارد و معمولاً طول مدت زمان عقد بسیار کوتاه است. مطالعه پرونده‌های طلاق اورژانس اجتماعی نیز تاییدکننده این زمانبندی کوتاه دوره عقد است. در مقوله‌های بعدی کیفیت این دوره نیز تشریح خواهد شد. در ادامه نقل‌قول‌هایی مرتبط بیان خواهند شد:

زن ۲۵ ساله، لیسانس: «تو همون شب خواستگاری ساعت ۱۲ شب رفتم خوابگاه شناسنامه آوردم. اون شب حرفام و کارام دست خودم نبود. یه جورری شده بودم. من عقد و آزمایش رو باهم انجام دادم. با پارتی، به خاطر اینکه مبدا حرفم عوض شه. هنوز کلاس مشاوره نرفتم. اون شب که جواب مثبت دادم، صبح روز بعد رفتیم عقد کردیم».

زن، ۲۳ ساله، دیپلم: «اگه می‌داشتن من خودم با یه روز صحبت کردن، پسر رو راضی می‌کردم که منصرف شه. اگه یه روز نامزد بودم فقط یه روز...».

مرد ۳۶ ساله، لیسانس: «پدرش گفت که یکی از فامیلاشون فوت کرده و این حق‌های بود که من مجبور بودم زود عقد کنم...» خونوادش دوره عقد رو زود سرهم آوردن واسه اینکه مشکلی پیش نیاد».

زن، ۳۰ ساله، دیپلم: «قبل ازدواج اصلاً باهاش صحبتی نداشتیم. ازدواجمون یه هفته طول نکشید».

مواجهه سستی با دوران عقد

در اکثریت قریب به اتفاق نمونه‌ها، زوجین در طول خواستگاری و یا در مدت کوتاه عقد به دلایل بازدارنده‌های حاکم بر عرف جامعه، مواجهه‌ای کاملاً سستی با این دوره مهم داشته‌اند. در چارچوب سستی، اعضای خانواده معمولاً وقت کمی را صرف گفتگو و بحث در مورد زندگی‌شان اختصاص می‌دهند و اگر هم وقتی اختصاص داده شود، گفتگو {تک} جنسیتی می‌شود. در این فضا افراد متمایل به انجام کنش‌هایی‌اند که پایبندی‌شان را به ارزش‌ها و اجتماعی که از گذشته‌های دور در آن می‌زیسته‌اند، نشان دهد. برخی از این ارزش‌ها حفظ آبروست که در همه جا حضور دارد و خانواده‌ها بخصوص پدر خانواده همیشه مراقب هست که تعاملات و مراودات زوجین از این چارچوب عدول نکنند، به همین دلیل بعضاً این تعاملات در حد دیدار به همراه خانواده محدود شده و فرصت گفت و گو راجع به مسائل مهم زندگی پیش نیامده است. نقل قول‌های زیر مؤید این مطلب‌اند:

زن ۲۳ ساله، لیسانس: «یه دفعه خونشون رفته بودیم، اونا گفتن بذارین عروسمون اینجا بمونه، بابام گفت والا ما رسم نداریم! بابام هیچ وقت نمیداشت تنها باشیم، اگه هم پسره میومد خونمون همیشه با خونواده اش میومد، فرصت صحبت کردن دو نفره نبود».

زن، ۲۴ ساله، راهنمایی: «هفت ماه نامزد که بودیم، هیچ صحبتی باهم نداشتیم حتی یه بار. اصلاً بینمون رسم نیست».

مرد، ۲۸ ساله، بنا: «قبل عقد مستقیماً با دختره حرف نزدیم، بعدشم دورادور».

سازماندهی نمایشی رفتار در دوره عقد

یکی دیگر از مقولات استخراج شده در این مطالعه، سازماندهی نمایشی رفتار در دوره عقد است. از آنجایی که به دلایل مطرح شده در بالا، زمانبندی این دوره بسیار محدود است رفتارها عمدتاً به صورت نمایشی است. در این گونه رفتارها معمولاً فرصت بازنمایی رفتارهای واقعی و یا مسائل فردی و خانوادگی وجود ندارد یا نوع خاصی از رفتارها به صورت اغراق‌آمیزی

برجسته‌تر می‌شود. و همانطور که گفته شد به دلیل کوتاه بودن این دوره زوجین فرصت محک زدن عمیق و طولانی یکدیگر را ندارند، به تبع عقب‌گرد به سوی رفتارهای پیشین در دوران زندگی مشترک برای زوجین غیر قابل تحمل و دردسرساز است. نقل‌قول‌های زیر گویای چنین وضعی است:

زن، ۲۰ ساله، دیپلم: «دوره عقد خوب بود. پسر به سری ایرادهایی می‌گرفت، طبیعی بود. بعد اینکه عروسی کردیم می‌گفت نباید خونه عموهات بری. واسه تفریح نباید با خونوادت بری بیرون. می‌گفت که پسر عموهات به جووری نگات می‌کنن. تو بازار چرا اینجووری نگات می‌کنن. آدم شکاک و خسیسی بود».

زن، ۳۰ ساله، دیپلم: «می‌گفت که کمکت می‌کنم، پشتیبانت هستم. نماز می‌خوند. خیلی مرتب، شیک. ریش داشت. اگه نگاش می‌کردی می‌گفتی که طلبه‌ست ولی بعد از ازدواج عوض شد».

مرد، ۳۵ ساله، لیسانس: «برام فیلم بازی می‌کرد. به محض اینکه عروسی کردیم برعکس شد و بداخلاق شد. اگه با خونواده‌ای که قراره ازدواج کنی باید بدون اینکه مسئله ازدواج مطرح باشد رفتار کنی و رابطه داشته باشی. خوبه که رفتار طرف رو بدونی تا برات فیلم بازی نکنه».

قصور در برخورد منطقی با مسائل

یکی دیگر از مقولات کشف شده در تحقیق که می‌توان آن را ذیل دلایل طلاق‌های زودرس در شهر ایلام نشان داد، قصور در برخورد منطقی با مسائل در دروان عقد و یا دوران زناشویی است. کنش منطقی کنش آگاهانه معطوف به استفاده از ابزارهای لازم و در دسترس برای حل مساله است. اما چیزی که در واقعیت زندگی مشارکت‌کنندگان در تحقیق بازگو شده است، فقدان مواجهه منطقی و یا استفاده از ابزارهایی لازم برای حل مساله است، یکی از پر تکرارترین نوع واکنش زوجین در برخورد با مسائل قهرگرایی است و نه تلاش برای حل مساله که البته بیشتر در زندگی مشترک خود را نشان داده است. استفاده از طلسم و جادو توسط خانواده برای حل مسائل نیز یکی دیگر از این نوع مواجهات غیرمنطقی بوده است. قصور در مواجهه منطقی با مسائل در دوران عقد نیز دیده شده است، این موضوع خود را در عدم گفت و گو، به تاخیر

انداختن مسائل اساسی زندگی در دوران عقد و یا عدم ملاحظات منطقی در مورد آنها خود را نشان می‌دهد. نقل قول‌های زیر مؤید این مطلب‌اند:

مرد، ۳۶ ساله، دیپلم: «هر چی بهش می‌گفتم بریم پیش روان‌پزشک. خونوادش میگن ببریش سید ناصرالدین (امامزاده) مشکل حل می‌شه».

زن، ۲۴ ساله، راهنمایی: «همه اش قهر می‌کردم، یه دفعه شیش ماه قهر کردم. واسه برگشت تعهد دادگاهی ازش گرفتم ولی بازم عوض نشد».

زن، ۳۱ ساله، لیسانس: «اول فکر می‌کردم شاید هنوز از هم شناخت نداریم ولی بعداً که وارد زندگی شدیم ایرادهای بزرگتری می‌گرفت. هرچی باهاش صحبت کردم که در مورد زندگی بیا فکر کنیم، قبول نمی‌کرد».

زن، ۲۰ ساله، دیپلم: «قبل از ازدواج هیچ وقت اون چیزایی که دوست داشتم رو نگفتم».

زوجین در کشاکش تفاسیر متضاد از موقعیت

یکی از پدیده‌های جالب که در جریان تحقیق و با مصاحبه‌ها با چند تن از زوجین به آن پی برده شد، تفاسیر و معانی مختلف از موقعیت‌ها، رفتارها و احساسات است. گاهی اوقات زن موقعیتی را نقل می‌کرد و مرد را در آن موقعیت بی‌احساس، بی‌توجه و کم میل معنا می‌کرد ولی طرف دیگر زن را لوس، بچه صفت و لجباز معرفی می‌کرد، به عبارت دیگر به نظر می‌رسید دلایلی که این دو برای طلاق معرفی می‌کردند نه دلایلی عقلانی و منطقی بلکه صرفاً رفتارهای شتابزده بوده که بیش از هر چیز ناشی از ناشناختگی دنیای این دو از هم بوده است.

مرد، ۳۰ ساله، نظامی: «خسته که بر می‌گشتم می‌ومدم خونه صدای تلوزیون رو بالا میبرد و میگفت باید بگی تسلیم شدم، خیلی لج باز بود... دعوا میکرد که رفتم فلان مراسم مامانت خوب باهام حرف نزده».

زن ۲۵ ساله، لیسانس، خانه دار: «به چشم عقب‌ماندگی نگاه می‌کرد که سعی می‌کرد لج منو دریاره».

مرد ۳۶ ساله، راهنمایی با شغل آزاد: «با خیال‌های خودش زندگی میکنه و با خیال‌پردازی دنبال بهانه‌س».

مرد، ۳۵ ساله، لیسانس و کارمند: «همیشه من عذرخواهی کردم. خانمم اینجوری فکر می‌کنه که همه اشتباهاتمون تو زندگی کار من بوده. یعنی همیشه من مقصر بودم».

بدگمانی

یکی دیگر از مواردی که نهاد خانواده را با تعارضات و چالش‌های زیادی مواجه ساخته بود، بدگمانی و شکاکیت بعد از ازدواج است که به دلیل تکرار زیاد آن توسط مشارکت‌کنندگان در تحقیق عمدتاً آن را به عنوان یه مقوله جدا در نظر گرفته‌ایم. این شکاکیت که با کنترل شدید طرف دیگر در تمام زمینه‌ها، بی‌اعتمادی، بدخیالی و ایرادتراشی همراه است زندگی را به کام همسران تلخ کرده است. به نظر می‌رسد این بدگمانی و «توهم‌ها» ریشه در ناشناختگی طرف متقابل باشد. نقل‌قول‌هایی زیر به خوبی گویای این وضعیت‌اند:

زن، ۱۸ ساله، دیپلم: «سوءظن زیادی داشت. یعنی اگه می‌اومدم خونه پدرم، معذرت می‌خوام اگه می‌رفتم دستشویی، باید دم در دستشویی می‌نشست، حتی مراسم عروسی هم نمی‌داشت برم. اگه پسرعمو یا پسر دایی‌م می‌اومدن، نمی‌داشت برم پیششون. حتی بهم اجازه نمی‌داد در حیاتو باز کنم».

مرد، ۳۰ ساله، نظامی: «از بدگمانی و سوءظن شروع شد. هم نسبت به خانمم هم اون نسبت به من».

زن، ۲۳ ساله، لیسانس: «داخل خانه دوربین مخفی گذاشته بود اینقد ذهنش خراب بود».

زن، ۲۰ ساله، دیپلم: «بعد اینکه عروسی کردیم می‌گفت نباید خونه عموهات بری. واسه تفریح نباید با خونوادت بری بیرون. می‌گفت که پسر عموهات یه جورى نگات می‌کنن. تو بازار چرا اینجوری نگات می‌کنن، آدم شکاک و خسیسی بود».

زن ۲۲ ساله، دیپلم: «تو خیابون تحمل نداره کسی ازش سبقت بگیره یا کسی منو نگاه کنه. نمی‌تونه خودشو کنترل کنه».

نفوذ کنشگران سنتی

از نظر وبر کنش سنتی «حاصل‌گرایش به سنت است که از طریق عادات طولانی مدت ایجاد می‌شود» (وبر، ۱۳۹۵: ۵۲). در استان ایلام مبانی ایلی و طایفه‌ای در تمام پدیده‌ها و صورت‌های

اجتماعی کنش‌گران دیده می‌شود. به تبع بزرگان ایل و طوایف هم نقش بسیار مهمی در برساخت فرهنگی و اجتماعی وقایع و پدیده‌ها ایفا می‌کنند. از ویژگی‌های فرهنگی مرتبط با موضوع در استان می‌توان به اعتقاد به حفظ سنت‌ها و رسوم گذشته، اعتقاد به کنشگری معتمدین و ریش‌سفیدان به عنوان افراد ذی‌صلاح و مرجع برای حل مسأله، سنتی بودن روابط بین افراد و ... دانست. خانواده‌ها هم به تبع متمایل به انجام کنش‌هایی‌اند که پایبندی‌شان را به ارزش‌های گذشته من جمله مراجعه به کنشگران سنتی (در این جا ریش‌سفیدان) برای حل مسائل خانوادگی نشان دهد. در استان ایلام روابط خویشاوندی در اکثر حوزه‌های زندگی اهمیت بسیار زیادی دارد و برخی مسائل و روابط درون خانواده از روابط خانوادگی فراتر می‌رود، به همین دلیل، همانطور که شرکت‌کنندگان در مصاحبه ابراز داشته‌اند، کنشگری کنشگران سنتی موجب اختلال در زندگی خانوادگی آنها شده بود. این کنشگری در جنبه‌های گوناگون زندگی زوجین از همان معرفی گرفته تا میانجیگری برای طلاق خود را نشان می‌دهد.

در این جا نفوذ کنشگران سنتی به عنوان یکی از شرایط میانجی تحقیق در نظر گرفته شد زیرا که به نظر می‌رسد مبنای کنشگری آنها نه کنش عقلانی بلکه صرفاً کنشی سنتی، مصلحتی و یا احساساتی بوده است. چه بسا به ابتکار معتمدین وصلتی به انجام رسیده، که یکی از دو طرف به هیچ عنوان راضی نبوده و یا کلاً آن ازدواج ازدواج مناسبی نبوده است، این موضوع موجب تشدید اختلافات زوجین بعد از ازدواج شده است. در مقوله بعدی این موضوع بیشتر تشریح می‌شود. نقل‌قول‌های زیر به خوبی گویایی نفوذ کنشگران سنتی در تمام جنبه‌های تصمیم‌گیری‌های در نهاد خانواده است:

زن، ۲۳ ساله، لیسانس: «دومین باری که اومدن خواستگاری بازم گفتم نه. دینم گردن این ریش‌سفیدهاست که منو مجبور به ازدواج کردن... همون ریش‌سفیدهایی که به زور منو بردن و مجبور به ازدواج کردن، همونا دوباره منو برگردوند خونه پدرم برای طلاق».

زن، ۲۱ ساله، لیسانس: «این دفعه آخر دیگه اجازه ندادم ریش‌سفید دخالته کنن. گفتم اگه بیان احترامشونو هم نمی‌گیرم. زنگ می‌زنم به ۱۱۰».

بازدارنده‌های جدایی دوران پیش‌عقد و عقد

یکی دیگر از شرایط میانجی که باعث طلاق‌های زودهنگام در شهر ایلام شده بود، وجود بازدارنده‌ها و موانعی بود که مانع از جدایی زوجین در مرحله پیش‌عقد یا عقد شده بود. به عبارتی دیگر نمونه‌هایی وجود داشتند که ابراز داشتند، در همان مرحله نامزدی و یا دوره عقد زوجین یا خانواده پی برده شده که ازدواج این دختر و پسر ازدواج مناسبی نیست، اما عواملی از قبیل انتظارات نامتعارف برای تجدیدنظر، اصرار و میانجی‌گری‌های معتمدین، رودربایستی خانواده‌ها، قبیح دانستن طلاق و ... بازدارنده‌هایی بودند که اجازه عدم وصلت و یا جدایی در این مراحل نخستین را نمی‌دادند. چه بسا اگر این شرایط نبود، ازدواجی در کار نبود یا حداقل قبل از زندگی مشترک و بچه‌دار شدن جدایی اتفاق می‌افتاد. ولی به نظر می‌رسد زوجین جوان دیگر زیر بار تصمیم‌گیری‌های این کنشگران نخواهند رفت.

مرد، ۳۵ ساله، لیسانس: «رودربایستی دو خانواده باعث شده که عروسی رو طول بدیم وگرنه اختلافامون از همون اول آشکار بود».

زن، ۲۵ ساله، لیسانس: «وقتی دانشگاه باز شد باید می‌رفتم سر کلاس. تقریباً ۱۵هـم بود من رفتم دانشگاه. روز بعد بهش زنگ زدم بهش گفتم این سه روزی که باهات عقد کردم هنوز دلشون نمی‌دونم. بعد پیام واسش نوشتم؛ گفتم که: «خدا شاهده نمی‌دونم، دلیل اینو نمی‌دونم که چرا اومدم با تو عقد کردم؛ بیا تو یه مردانگی در حق من بکن. انگشترو پس می‌دم هرچی خواستی بهت می‌دم فقط راحت‌کن، چون می‌دونم من اون دختری نیستم که با تو زندگی کنم اما به عنوان پسرعمو دوستت دارم».

زن، ۲۰ ساله، دیپلم: «دقیقاً یه هفته بعد عقد با هم مشکل پیدا کردیم از نظر عقیده و قهرکردن‌های بی‌جا. مثلاً همسرم بارها اتفاق افتاد که حتی ده ماه با مادرش قهر کرده بود و حتی این مشکلو با بقیه اعضای خانوادش داشت. من با پدرش صحبت کردم ولی اون گفت درست میشه. من عقد کرده بودم و بار رو دوشم بود».

زن، ۲۳ ساله، لیسانس: «با خونوادم صحبت کردم. مادرم گفت: طلاق بین فامیلامون زشته؛ اگه این کارو بکنی خودمو آتیش می‌زنم».

مرد، ۳۵ ساله، دبیر: «در دوره عقد» «حتی بحث طلاق رو هم پیش کشیدم که ما به درد هم نمی‌خوریم بیا زوتر از هم جدا بشیم ولی اون نپذیرفت و حتی می‌خواست خودکشی کنه. تا اینکه قرص خورد و در بیمارستان بستری شد».

جدال برای تصاحب زوجین در میدان خانواده‌ها بعد از ازدواج

در عین سکونت‌گزینی مستقل بیشتر زوجین، به نظر می‌رسد سایه خانواده گسترده همیشه بالای سر آنها بوده است، گویی مبارزه‌ای دائمی برای نمایش و یادآوری مالکیت خانواده‌ها بر زوجین وجود دارد، این مسئله که با عناوین انتظارات نامتعارف خانواده، اوامر همیشگی پدر یا مادر خانم/ شوهر، خانواده‌گرایی، اذن خانواده، مخالفت‌خوانی‌های خانواده، سایه پدر/ مادر و ... به کرات بیان شده تعارضات زوجین را تشدید ساخته است. در زیر برخی از این نقل‌قول‌ها آورده می‌شود:

مرد، ۳۵ ساله، کارمند: «وقتی می‌رفتم دنبالش و برش می‌گروندم خونه، فکر می‌کردن در حق من لطف کردن، چون اولش هم مخالف ازدواج بودن، دیدشون منفی بود، متأسفانه تو این رقابت خانواده اونا پیروز شدند»

مرد، ۳۳ ساله، با شغل آزاد: «سنگین‌ترین آسیبی که از زندگی دیدم زمانی بود که در طبقه زیرین مادرخانم زندگی می‌کردیم».

مرد، ۳۵ ساله، کارمند: «من برای صحبت با زنم باید از باباش اجازه می‌گرفتم. می‌گفتم یه ساعت بزار باباش صحبت کنم. قبول نمی‌کرد... اگه دختره خودش بود یا تو شهر دیگه‌ای زندگی می‌کردیم، وضعیتمون تا اینجا کشیده نمی‌شد. من خانوادشو مقصر می‌دونم».

زن، ۲۲ ساله، دیپلم: «مامانش همیشه بهش میگفت باید بیای پیش ما زندگی کنی، سه ماه خونه پدر و مادرش زندگی کردم (شریکی) به خاطر رسومشون. یعنی اعتقاد دارن که پسره هنوز پخته نیست، هر چی ما گفتیم باید بگه چشم».

مرد، ۳۵ ساله، لیسانس: «مدتی که بین برادر و خانمم اختلاف پیش اومد، خونه پدرش نمی‌رفت، اون موقع وابستگی شدیدی بهم داشت. ساعت ۵ که می‌رفتم سرکار، بدرقه‌م می‌کرد، گریه می‌کرد. این وابستگی چهار پنج ماه طول کشید».

شکستگی زندگی و سهل‌انگاری در ازدواج دوم

یکی دیگر از شرایط میانجی که باعث سهل‌گیری و آسان‌گیری امر ازدواج شده بود، سابقه ازدواج بخصوص در زنان است. فشار اجتماعی، ترس از طرد اجتماعی و از دست دادن حمایت اجتماعی ضعف پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده عواملی بودند که موجب سهل‌انگاری زن در انتخاب شوهر دوم شده بود. ازدواج برخی از این زنان بدون هیچ گونه تحقیق و پرس و جویی به انجام رسیده، و بعداً از ازدواج به اعتیاد و یا بیماری شدید روانی آن برده شده است: نقل قول‌های زیر چنین وضعیتی را نشان می‌دهند:

زن، ۳۰ ساله، ابتدایی: «دو سال پس از ازدواج اولم، شوهرم تصادف کرد مُرد، ازش یه پسر معلول دارم، خانواده این پسر که او مدن خواستگاری، خیلی خوشحال شدم، ازم من کوچیک تر بود، مجرد بود، لیسانس مکانیک داشت، نمی‌دونستم جنون داره، مته اینکه تو خوابگاه خیلی مواد کشیده بود، مریض شده، هیچ قدرت ارتباطی نداره، بعضی اوقات که جنون بهش دست میزنه، کسی پیشش باشه در حد مرگ میزنه، حتی الان که او دم درخواست طلاق دادم، مادرش میاد به جاش صحبت میکنه».

زن، ۳۵ ساله، ابتدایی: «خبر نداشتم معتاده. شیشه می‌کشید. هیچی نمیدونستیم، خودمو دست کم گرفتم و با هیچ با باهاش ازدواج کردم، حتی یه پفک ۱۰۰۰ تومنی هم برام نخرید».

تمایزات ابژه‌های نسلی

یکی دیگر از شرایط میانجی تقویت‌کننده تعارضات و اختلافات زوجین متقاضی طلاق یا طلاق گرفته، تمایزات ابژه‌های نسلی در درون خانواده‌هاست. خانواده فضایی است که در آن روابط درون نسلی و بیرون نسلی ظاهر شده و خود را نشان می‌دهد. ابژه‌های نسلی عبارت است از «شخص، مکان، شی، یا رویدادی که از نظر فرد مبین نسل اوست و به یادآوردنش احساسی از نسل خود او را در ذهنش زنده می‌کند» (بالس، ۱۳۸۰: ۱۳). قطعاً هر نسلی ذهنیت، باور و اصول و ارزش‌های خاص خود را داشته و تقویت می‌کند. در اکثر نمونه‌های تحقیق ما شاهد نسل‌های مختلف در درون یک خانواده بوده‌ایم. جدای از دو نسل فرزند و والدین، گاهی اوقات به دلیل فواصل زیاد سنی بین فرزندان شاهد نوعی شکاف میان نسلی هم هستیم. به عبارتی تمایزات ارزشی نه تنها بین زوجین با خانواده‌ها وجود دارد، چه بسا بین خود زوجین یا با اعضای

خانواده نیز وجود دارد که مایه تشدید کننده اختلافات و تعارضات منجر به طلاق نیز هست. برخی از این تمایزات ابژه‌ای نسلی فرد گرایی/ جمع گرایی، عقلانیت عقلانی/ سنتی/ احساسی، خانواده گرایی/ تمایل به استقلال، تفاوت‌های نگرشی، نگاه به کمک و بخشش و ... بین ابژه‌های نسلی موجود در نهاد خانواده هسته‌ای و گسترده است.

مرد، ۳۰ ساله، لیسانس: «پدرم ۸۰ ساله و مادرم ۶۸ ساله‌ن. بعد خانمم انتظار داره همیشه به ما برس و جویای حالمون شن. در صورتی که گوشی موبایل ندارن حتی نمیتونن شماره‌گیری کنن».

مرد، ۳۶ ساله، کارشناسی ارشد: «با داداشام رابطه خوبی دارم. مثلاً کارت عابر بانک با رمزش دست داداشامه یا پیش اومده که بهم پول دادن و من پس ندادم. ولی همسر من این نوع رفتارو قبول نداشت و بارها سر این موضوع دعوا کردیم... یه بار که داداش همسر من که امتحان رانندگی داده بود، کتابشو واسه داداشم برداشتم که اونو بخونه. همسر من اینقد فحش داد و داد می‌زد ... که خدا کنه قبول نشه و از این حرفا».

مرد، ۳۶ ساله، دیپلم: «دوسالی که مستقل زندگی می‌کردیم فقط یه بار داداشم اومد خونمون بعدش همسر من رفت اتاق و خودشو قایم کرد. اون لحظه می‌خواستیم زمین باز شه و برم توش اینقد خجالت کشیدم. از اونو موقع به بعد دیگه کسی خونمون نیومد... بهش می‌گفتم که لاف‌ل زاهری با خونوادم خوش رفتاری کن، هرچی بخوای واست می‌گیرم، تا من جلو اونو شرمند نشم، ولی اصلاً رفتارشو درست نکرد».

مرد، ۳۵ ساله، لیسانس: «بارها به مادرم توهین کرد. بهش می‌گفتم که مادرم اونجوری که فکر می‌کنی نیست و به خونواده تو احترام می‌ذاره ولی باور نداشت».

مرد، ۳۳ ساله، دیپلم: «دوستاش بهش گفته بودن این کیه می‌خوای باهاش ازدواج کنی، این پسره اون تیپ و کلاس که شایسته تو باشه رو نداره. می‌گفتن پسره در حد تو نیست. کاری که پسره داره جوریه که تو اجتماع نیست، آخه خودش دانشجو بود و من کارگر».

عقب گرد به سوی رویاهای پیشین؛ میل به تغییرات نامتعارف

یکی از استراتژی‌ها و مواجهات زوجین برای وضعیت ناخوشایند زندگی، عقب‌گرد به سوی رویاهای پیشین و میل به تغییراتی بوده است که عمدتاً از سوی زنان ظاهر می‌شده و معمولاً

برای دیگران نوعی تغییر نامتعارف به حساب می‌آمده است. این عقب‌گرد شامل میل به تحصیل، مصرف کالاهای خاص، گرایش به تعاملات بیشتر با دختران جوان و مجرد و ... است.

مرد، ۳۶ ساله، آزاد: «اخیراً با یکی از دوستانه خیلی، که ۱۹ سالشه. بهش میگم توفازش نرو.

بهش می‌گم اون تو سن خودش زندگی می‌کنه».

مرد ۳۰ ساله، دیپلم: «واسم سخته دستمو گردن زنم بندازم و عکس سلفی بگیرم. من از این

کارا نمی‌کنم حتی اگه ...»

مرد، ۳۶ ساله، دیپلم: «الان به فکرش رسیده که من میخام برم دانشگاه».

خلأ عاطفی

یکی از ویژگی‌های مهم ذکر شده در میان زنان و مردان مورد مطالعه، وجود نوعی خلأ عاطفی یا به زعم گیدنز نوعی «جدایی اجتماعی» است. در این جا ما با ازدواج‌های توخالی مواجه‌ایم. ازدواج‌هایی که احساسات و عواطف دو طرف در آن همسان و هماهنگ نیست و عمدتاً یکی از دو طرف نسبت به دیگری به وضعیت «بی تفاوتی»، «بی‌علاقگی»، «بی‌میلی»، «بی‌اهمیتی»، «بی‌توجهی» رسیده است؛ در این وضعیت کنش متقابل سرد و کمرنگ است، زن و یا مرد یا از ابراز احساسات خودداری می‌کند و یا به ابراز احساسات دیگری پاسخ نمی‌دهد تنهایی، سکوت یا مروادات با دیگران را ترجیح می‌دهد و هر جا با اعتراض طرف دیگر مواجه شود ممکن است دیگری را تحقیر سازد. نقل قول‌های زیر گویای چنین وضعی‌اند:

مرد ۳۶ ساله، دبیر: «دوستش نداشتم. یعنی چیزی به نام دوست داشتن بینمان نبود».

مرد ۳۰ ساله، لیسانس: «اگه بتونی قبل ازدواج طرف رو دوست داشته باشی شاید به خاطر

عشق بتونی از اخلاق بدش بگذاری ولی من درگیری عاطفی با همسرم نداشتم. انگار ماشین

خریدم.

زن ۲۰ ساله، دیپلم: «اون فقط می‌خواست یه زن داشته باشه؛ صبح بره سرکار، شب

برگرده، کاری به احساسات نداشتم».

زن ۲۳ ساله، لیسانس: «ظهرها مغازشو تعطیل میکرد اصلاً خونه نمیومد، میرفت خونه

خواهرش».

زن ۲۵ ساله، لیسانس: «میگه توحته ارزش اینو نداری که پیام طلاق بدم»

زناشویی ناخوشایند

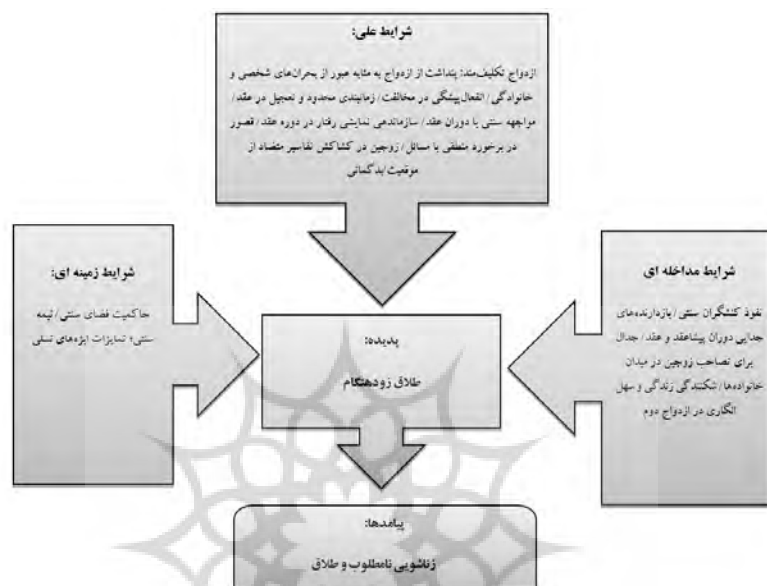
مشخصه بارز زندگی زوجین خواهان طلاق و طلاق گرفته تا قبل از جدایی، وضعیت نه چندان مطلوبی است که ما آن را «زناشویی ناخوشایند» نام گذاشته‌ایم، این وضعیت ناخوشایند موارد زیادی را در بر می‌گیرد. یکی از این ویژگی‌ها که مورد تاکید بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بود، عدم ثبات در رفتار و برخورد زوجین با هم - یا اون چیزی که در زبان محلی به آن «هوک»^۱ گفته می‌شد- بود. که با تحلیل این مورد می‌توان فراتر از متن حرکت و زمینه‌های اجتماعی سازنده آن را نیز تحلیل کرد. به نظر می‌رسد ریشه بسیاری از مسائل و تعارضات زناشویی به زیستار جنسیتی حاکم بر فضای شهر ایلام بر می‌گردد. در این فضای سنتی/ نیمه‌سنتی، فرصت شناخت و تعامل با جنس مخالف بسیار اندک است و جایی که این دو با هم تعامل داشته و آزادند که همدیگر را محک بزنند نه دوره‌های مجردی، نه دوره‌های پیش‌عقدی و نه حتی دوره‌های بعد از عقد است. در چنین فضایی همانطور که قبلاً هم گفته شد رفتارها کم و بیش ناشناخته‌اند و ثبات خاصی ندارند و ممکن است مفاهیم‌ای صورت نگیرد که خود را به صورت رفتارهای نامتعارف و ناشناخته برای جنس مخالف نشان دهد. علاوه بر این مورد، قهرگرایی، مسئولیت‌گریزی، اعمال خشونت کلامی و فیزیکی، ناتوانی در حل مسائل، خودمحوری، مقصّرپنداری دیگری و رفتارهای جاه‌طلبانه، سوءظن‌ها و بدگمانی‌ها، تقابل جویی‌ها، دروغ‌گویی، دیگرآزاری، لجبازی، جر و بحث‌های طولانی و ... از جمله موارد دیگری است که زندگی را به کام زوجین تلخ کرده بود. در زیر نقل قول‌هایی بیان می‌شود:

مرد، ۳۶ ساله، دیپلم: «زمانی که از خانمم ضعفی می‌بینم دوس دارم با طعنه بهش نگاه نکنم ولی هر روز بهش می‌گم، نمی‌تونم خودمو کنترل کنم. زمانی که به من بها نده، بهش طعنه می‌زنم».

زن ۲۵ ساله، لیسانس: «ما هیچ وقت به نتیجه نمی‌رسیم؛ جر و بحث ما مثه دو تا خط موازیه که هیچ وقت هم و قطع نمیکنن».

زن ۳۰ ساله، ابتدایی: «درکی نداشت به حرفام باور نداشت، اصلاً به حرفام گوش نمی‌داد، منطقی باهاش صحبت می‌کردم ولی اون کار خودشو انجام می‌داد».

زن ۱۸ ساله، دیپلم: «روانیه. به نفر نمی‌تونه دو کلمه باهاش حرف بزنه. ولی با خونوادش اینجوری نیست».



شکل ۱. مدل پارادایمی و مقوله هسته‌ای تحقیق: طلاق‌های زود هنگام و تلاش برای انفصال از گفتمان سنت

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مساله تحقیق و نیز مستندات موجود، سوال اصلی تحقیق حاضر این بود که دلایل طلاق‌های زودرس در شهر ایلام چیست؟ نتایج تحقیق از برجستگی و اهمیت مسائل مربوط به پدیده ازدواج در زوجین جوان و نقش آن در افزایش طلاق‌های زودرس حکایت دارد. به همین دلیل بخش عمده‌ای از مطالعه حاضر به این موضوع اختصاص داده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها از حضور پر رنگ عنصری به نام گفتمان سنت در اکثر مقولات بدست آمده حکایت دارد. سنت چیست؟ به زعم گیدنز (۱۳۸۷ب) عناصر مهم بسیاری در سنت وجود دارد: نخست آنکه سنت درگیر با شکل‌هایی از مراسم و آیین‌ها و رفتارهای تشریفاتی است، این هسته سنت است. حقیقت سنت محدود به عرف است. دوم سنت تا حد زیادی جمعی و اجتماعی است و با ارتباط بین آیین‌های تکراری و بازانجام تشریفات و انجام دادن جمعی آنها کاری صورت می‌گیرد. سوم آنکه سنت‌ها همیشه نگهبان هستند و نگهبانان با

متخصصان تفاوت دارند؛ چهارمین عنصر سنت عنصری هیجانی و احساسی است، سنت تسلطی را به همراه دارد که به صورت عرفی با هویت اشخاص درگیر است و هیجانات در آن قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد عناصر مورد نظر گیدنز در تعریف سنت تا حدود زیادی در جامعه ایلام دیده می‌شود. در تمام شهرستان‌های استان ایلام، مبانی ایلی و طایفه‌ای در اکثر پدیده‌ها و صورت‌های اجتماعی کنش‌گران و ساختارهای مرتبط با آن دیده می‌شود. بزرگان و معتمدان طوایف، به عنوان نگهبانان سنت، نقش بسیار مهمی در برساخت فرهنگی و اجتماعی وقایع و پدیده‌ها از جمله نهاد خانواده ایفا می‌کنند.

علاوه بر حضور و نفوذ کنشگران سنتی، باید از حضور و نفوذ پدر، برادر، عمو و... نیز گفت که خانواده حول محور آنها سازمان یافته است. به عبارتی دیگر در متن جامعه و ساختارهای جامعه ایلام تا حدود زیادی می‌توان از ترجیحات جنسیتی و به نوعی شیوه‌های عمل خانواده سنتی در درون خانواده سخن گفت که در آن تصمیم‌گیری در مورد مسائل مهم زندگی مثل ازدواج عمدتاً با محوریت آنها انجام می‌شود. این محوریت خود را در معارفه زوجین، رایزنی، تلاش برای متقاعدکردن، میانجیگری و ... نشان می‌دهد. در مورد نظام تصمیم‌گیری در خانواده می‌توان از نتایج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها (۱۳۹۴: ۵۰)، نیز سود جست، مطابق با این پیمایش، ایلامیان سهم مردان را (پدر یا شوهر، ۲۲/۶ درصد) در تصمیم‌گیری امور مهم خانواده بیشتر از زنان (مادر یا زن ۴/۳) می‌دانند. در بیشتر نمونه‌ها زوجین و عمدتاً زنان روندی آزادانه در انتخاب همسر نداشته و بیشتر پذیرنده‌اند تا فعال در تصمیم‌گیری و در صورت عدم تمایل به ازدواج به دلایل مختلف قدرتی زیادی برای مخالفت نداشته‌اند.

علاوه بر این پذیرندگی که انواع مختلفی از مصلحت در آن دیده می‌شد، می‌توان بیشتر این نوع ازدواج‌ها را ازدواج‌های تکلیف‌مند، کارکردی و احساسی-هیجانی تا عقلانی و منطقی به شمار آورد. امیدواری به سازماندهی درست رفتار دختر یا پسر، حل مشکلات شخصی-رفتاری، پنداشت از ازدواج به مثابه مقابله با رفتارهای مخاطره‌آمیز جوانی، پنداشت از ازدواج به مثابه نوعی مراقبت و سرپرستی برای زوج یا زوجه و یا خانواده وی همه و همه مواجهه‌ای سنتی با ازدواج است.

نبود دوره نامزدی، زمانبندی محدود و تعجیل در برگزاری مراسم عقد، که به نظر می‌رسد به هیچ عنوان زمان‌بندی مناسب و ایده‌آلی برای آشنایی زوجین نباشد- آن هم در فضای سنتی و نیمه سنتی جامعه ایلام که امکان آشنایی پیش‌عقدی اندک است- یکی دیگر از یافته‌های تحقیق است. مطابق پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها (۱۳۹۴: ۴۷)، فصل هنجارهای خانوادگی، بیشترین درصد پاسخ به معاشرت و دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج در میان ایلامیان- ۷۳/۸ درصد- کاملاً مخالف و مخالف بوده است. در این میان بیشترین مخالفت‌ها را گروه سنی ۵۰ سال به بالاها (۸۴/۹) تشکیل می‌دهد، یعنی همان اولیاء. علاوه بر این، زوجین در طول محدود دوره عقد الزام به انجام کنش‌هایی‌اند که پایبندی‌شان را به ارزش‌ها و باورداشت‌های اجتماعی همانند حفظ آبرو، تعاملات اندک و مشروط زوجین نشان دهد.

در این زمینه نکته‌ای دیگر قابل تأمل است، در میان افراد نمونه تحقیق، افرادی بودند که بر عکس نمونه‌های دیگر، طول مدت عقد آنها بسیار طولانی و نامتعارف است که از یک تا سه سال در نوسان بود، بی‌تردید از این دوره نمی‌توان به عنوان یک دوره ایده‌آل برای آشنایی بیشتر و آمادگی زوجین برای ورود به زندگی مشترک نام برد چرا که این زمانبندی بیشتر با نوعی چالش و مشاجره بین زوجین و یا خانواده‌های زوجین بر سر ازدواج یا عدم ازدواج همراه بوده است که بالاخره با میانجیگری کنشگران سنتی و معتمدین، زوجین زندگی مشترک خود را آغاز کرده‌اند.

همانطور که گفته شد از ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایلام، اعتقاد به کنشگری معتمدین و ریش‌سفیدان و حتی پذیرش نهادی این موضوع برای حل مسائل و از جمله مسائل خانوادگی است. اشارات مکرر نمونه‌های تحقیق خود به خوبی گویای این وضعیت است. اما مساله از آنجا خود را نشان می‌دهد که مبنای کنشگری بسیاری از این کنشگران نه کنش عقلانی بلکه صرفاً کنشی سنتی، مصلحتی و یا احساساتی بوده که در طی فرایند ازدواج تا طلاق خود را نشان داده است. از جمله این موارد رایزنی برای وصلت به‌رغم مخالفت‌خوانی‌های طولانی و نیز تلاش برای جلوگیری از جدایی در مرحله پیش‌عقد و یا پیشا ازدواج است که در ملاحظات خویشاوندی و یا باورهای خاص در مورد حل مسائل احتمالی پیش‌رو ریشه دارد.

یکی دیگر از واقعیت‌های فرهنگی استان ایلام، مواجهات خاص زوجین در رویارویی با یکدیگر است که بر افزایش نرخ طلاق‌های زودرس اثرگذار بوده است و به نظر می‌رسد که بی‌تأثیر از روابط جنسیتی سنتی و جامعه‌ناپذیری جنسیتی نباشد. یکی از این موارد تعبیر بسیار متفاوت از رفتارها، موقعیت‌ها و احساسات همدیگر است. تعبیری که بعضاً نه با تحلیل و تبیینی خاص بلکه صرفاً با بیان «رفتارهای عجیب» طرف مقابل خود را نشان می‌دهد. «بدگمانی» و میل شدید عمدتاً مردان به کنترل زنان نیز از جمله این مواجهات خاص بوده که چالش‌های زیادی را با خود به همراه داشته است.

از جمله واقعیت‌ها فرهنگی دیگر جامعه در حال تغییر ایلام، تمایزات ابژه‌های نسلی است، به عبارتی نمی‌توان شکاف‌های معرفتی و ارزشی بین نسلی و حتی درون نسلی اعضای خانواده‌های پدری و زن و شوهر جوان را نادیده گرفت، جدال برای نگهداشت چارچوب‌های باوری و ارزشی خود و یا خانواده خود و یا به عبارتی رعایت قواعد خانگی و خانوادگی همواره محل نزاع زن و یا شوهر جوان بعد از تشکیل زندگی مشترک بوده است.

همچنین نباید از فشار اجتماعی، ترس از طرد اجتماعی و از دست دادن حمایت اجتماعی که توسط برخی از نمونه‌های تحقیق با پایگاه اجتماعی و اقتصادی عمدتاً ضعیف مورد تأکید بود، غافل شد که به نوبه خود در تصمیم‌گیری‌های عجولانه در ازدواج مجدد تأثیر قاطعی داشته است.

پس تا اینجا می‌توان مختصات سنتی، الزام‌های بیرونی و پیش ساخته و دلهره از رعایت این چارچوب‌های سنتی در مواجهه با ازدواج را به طور واضحی در میان نمونه‌های تحقیق ملاحظه کرد. نکته قابل تأمل اینجاست که ورود به زندگی جدید و تشکیل خانواده هسته‌ای برای زن و شوهر جوان، استقلال عمل بیشتری را به همراه دارد. این نوع استقلال عمل در نوع خود شانس ابراز وجود، جست و جو فرصت‌های تازه برای تغییر و تحول و در نهایت بازاندیشی خود را در پی داشته است که زوجین جوان و عمدتاً زنان، که از قضا اکثریت قریب به اتفاق متقاضیان طلاق‌اند، با توجه به این استقلال عمل بدست‌آمده تجربه می‌کنند. تغییراتی که بعضاً نامتعارف شناخته شده و با مخالفت‌هایی مواجه می‌شوند. به نظر می‌رسد حیطه‌های خانواده بعد از ازدواج زوجین جوان دیگر سنتی باقی نمی‌ماند- مشخصات زمینه‌ای نمونه‌های تحقیق خود گویای

جوانی ازدواج است- عدم تمایل به بچه‌دار شدن در اکثریت قریب به اتفاق زوجین در طول زندگی کوتاه مدت خود گویای این واقعیت است. نتایج مطالعات پرونده‌ها نیز این موضوع را تایید می‌کند. این مساله بیشتر زمانی خود را نشان می‌دهد که سطح تحصیلات زنان خواهان طلاق یا مطلقه با افزایش تحصیلات- دیپلم به بالا- نسبت به مردان، افزایش پیدا کرده است. که مطالعه پرونده‌های اوژانش اجتماعی شهر ایلام خود حکایت از این موضوع دارد. در این جا مشخص می‌شود که استقلال عمل بیشتر نسبت به خانواده پدری و تمایل به بازاندیشی، برخی معادلات را برای زوجین عوض کرده که به نوبه خود تغییراتی را ایجاد می‌کند. دیگر قدرت نفوذ دایره خویشاندی و اولیا به تمامی بر زوجین اعمال نمی‌شود، برای زوجین جوان دیگر این کنشگران سنتی، زمینه عمده اعتماد نیستند و گویا سنت دیگر قادر نیست باورداشت‌هایی همانند حفظ حیثیت، ترس از آبرو، مصلحت خویشاوندی، پذیرندگی و ... را سازماندهی کند. این مساله بخصوص با تشدید تعارضات زوجین برجسته‌تر می‌شود. برای زوجین جوان، زمان برگشت پذیر نیست و گذشته وسیله‌ای برای سازماندهی آینده آنان نخواهد بود، آنان دیگر روی به گذشته نخواهند داشت، نکته این جاست که در این مرحله جبهه‌گیری‌ها و حمایت‌های اجباری خانواده از زوج و یا زوجه در مقابل خانواده دیگری، فضا را برای کنشگران سنتی تنگ‌تر می‌سازد و به نظر می‌رسد خویشاوندی دیگر شبکه‌ای از پیوندهای اعتمادپذیر و مستحکم را فراهم نمی‌سازد. جمله یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق که به همراه «برادر» خویش برای انجام مراحل طلاق مراجعه کرده بود، بسیار جالب است «این دفعه آخر دیگه اجازه ندادم ریش سفیدا دخالت کنند. گفتم اگه بیان احترامشونو هم نمی‌گیرم. زنگ می‌زنم به ۱۱۰». به نظر می‌رسد زوجین جوان، به ویژه زنان، بعد از ازدواج با وسواس و دلهره کمتری در برابر سنت مقاومت کرده و با نه گفتن به نفوذ بیشتر گفتمان سنت، و تمایل به جدایی و طلاق، انفصال خود را از آن نشان می‌دهند.

پیشنهادهای تحقیق حاضر را می‌توان در دو حوزه خلاصه کرد: حوزه اول پیشنهادهای پژوهشی است و حوزه دوم پیشنهادهای سازمانی. اصلی‌ترین پیشنهاد مطالعه حاضر بخصوص این است که در مورد حوزه فرهنگ، گفتمان سنت، مطالعات خانواده، جامعه‌پذیری جنسیتی، مطالعات زنان، ابژه‌های نسلی و شکاف‌های معرفتی و ... در درون خانواده ایلامی بیشتر تأمل

کنند. هدایت و سوق دادن دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه ایلام بخصوص مقاطع تحصیلات تکمیلی به این موضوعات می‌تواند در نوع خود جالب و موثر واقع شود. حوزه دوم به پیشنهادات سازمانی و سیاستی مربوط است. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در عرصه خانواده نیازمند توجه هرچه بیشتر به گفتمان‌سازی برای جامعه‌پذیری جنسیتی است. به نظر می‌رسد نهادهای موجود، مثل خانواده، مدرسه، دانشگاه و... باید در این زمینه تلاش جدی‌تری معطوف دارند.

پیشنهاد بعدی گفتمان‌سازی برای مواجهات منطقی و عقلایی‌تر با پدیده ازدواج و طلاق در جامعه در حال تغییر ایلام است. به نظر می‌رسد بسیاری از طلاق‌ها و ازدواج‌ها، طلاق و یا ازدواج‌هایی شتابزده بوده‌اند. نهادمند کردن استفاده از مشاوره‌های خانوادگی- نه فقط استفاده‌های صوری کوتاه‌مدت- آن هم مشاوره‌هایی که نگاه‌شان به این پدیده‌ها فقط، روانشناختی و فردی نباشد، می‌تواند در کاهش این گونه از ازدواج‌ها و یا طلاق‌های شتابزده جلوگیری کند.

پیشنهاد پایانی این مطالعه، لزوم بازاندیشی بخصوص بازاندیشی نهادی در مورد نقش کنشگران سنتی در جامعه ایلام و بخصوص برای حل مسائل خانوادگی است، آسیب‌شناسی کنشگری سنتی و نقش معتمدان در عرصه خانواده می‌تواند بسیاری از مسائل را روشن‌تر سازد.

مقاله حاضر مستخرج از طرحی با همین عنوان است که به سفارش دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری ایلام به انجام رسیده است.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ازکیا، مصطفی و ایمانی‌جاجرمی، حسین (۱۳۸۴): بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶
- اشتراوس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵): اصول و روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- اعتمادی‌فرد، سید مهدی (۱۳۹۴) تحولات خانواده، ازدواج و طلاق، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، جلد دوم، شورای اجتماعی کشور، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸) مبانی پارادیمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
- باقر ساروخانی، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۵
- بالس، کریستوفر (۱۳۸۰) ذهنیت نسلی (دیدگاه روانکاوانه درباره اختلاف نسل‌ها) فصلنامه ارغنون، شماره ۱۹
- بروس کوئن، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، توتیا، ۱۳۷۷. باقر ساروخانی، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، استفان مور، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس، (۱۳۷۶)
- بک، اولریش بک (۱۳۸۸) جامعه در مخاطره جهانی، ترجمه محمدرضا مهدی زاده، نشر کویر
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۱): طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشرنی
- پژوهش‌نامه تخصصی مسأله‌شناسی، افق مکث (۱۳۹۵) ماهنامه فرهنگی و پژوهشی، سال اول، شماره ۱۰
- حاج باقری، محسن و دیگران (۱۳۸۶): روش‌های تحقیق کیفی، تهران، نشر نی
- دولت‌آباد، اسماعیل و حسینی، سید حسن (۱۳۹۳) مطالعه جامعه‌شناختی علل و زمینه‌های بروز تعارضات زناشویی در شهر تهران، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۲
- رایبینگتن، ارل، واینبرگ، مارتین (۱۳۸۲) ترجمه رحمت اله صدیق سروسستانی، رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، دانشگاه تهران، چاپ اول
- روزن باوم. هایدی، ۱۹۷۳، «خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه»، ترجمه محمد صادق مهدوی، چاپ اول، ۱۳۶۷، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- سالنامه سازمان ثبت و احوال کشور ۱۳۹۵
- سالنامه سازمان ثبت و احوال کشور ۱۳۹۶
- سیلورمن، دیوید (۱۳۸۱): روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات بنیاد تهران
- شهولی، کیومرث و رضایی‌فر، سلطانمراد (۱۳۹۰) بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده‌های شهرستان ایزده، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول
- صادقی‌فسایی، سهیلا، ایثاری، مریم (۱۳۹۴) مطالعه جامعه‌شناختی سنخ‌های طلاق، مسائل اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۱
- عنایت، حلیمه و همکاران (۱۳۹۲) بررسی عوامل موثر بر طلاق زودهنگام در بین جوانان شهری شهر، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال دوم، شماره ۳
- فلیک، اووه (۱۳۸۷): درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی
- قاسمی، علیرضا و ساروخانی باقر (۱۳۹۲) عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره سی و نهم
- قریشی، فردین و همکاران (۱۳۹۳) فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته در شهر سقز، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال سوم، شماره اول
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷ب) جهان رها شده، گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، نشر علم و ادب
- مارشال، کترین و راسمن، گرچن (۱۳۷۷): روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارساییان و محمد اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲) روش تحقیق کیفی، جلد اول، نشر جامعه‌شناسان
- محمدی، بیوک (۱۳۸۷): درآمدی بر روش تحقیق کیفی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
- مختاری، مریم و همکاران (۱۳۹۳) بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و پنجم، شماره اول

- مشونیس، جان (۱۳۹۵) مسائل اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات
- موسوی، مهری‌سادات (۱۳۹۵) بازنمای معنایی طلاق توافقی، خانواده‌پژوهی، سال دوازدهم، شماره ۴۶
- وبر، ماکس (۱۳۹۵) اقتصاد و جامعه، ترجمه مصطفی عمادزاده، نشر سمت
- هنریان، مسعود و یونسی، سیدجلال (۱۳۹۰) بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده، تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات روانشناسی بالینی، سال اول، شماره ۳
- Willoughby, B. J & Carroll, J. S. (2010). Sexual experience and couple formation attitudes among emerging adults. *Journal of Adult Development*, 17, 1-11.
- Mohlatlole, Nkuke Evans, Sello Sithole, Modjadji Linda Shirindi (2018) FACTORS CONTRIBUTING TO DIVORCE AMONG YOUNG COUPLES IN LEBOWAKGOMO, *Social Work/Maatskaplike Werk* Vol 54 No 2; Issue 8
- PRELLER, B. 2014. Everyone's guide to divorce and separation. Cape Town, South Africa: Zebra Press.
- BENOKRAITIS, N.J. 2007. *Marriages and families' changes, choices and constraints*. (5th ed). New Jersey: Prentice Hall.
- Arugu, L.Obiani (2014) Social indicators and effects of marriage divorce in African societies, *The Business & Management Review*, Volume 4 Number 4